



مرکز اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

نمونه اشعار

به جهان خرم از آنم، که جهان خرم از اوست
عاشقم بر همه عالم، که همه عالم از اوست
به غنیمت شم ای دوست، دم عیسی صبح
تا دل مرده مگر زنده کنی، کاین دم از اوست
نه فلک راست مسلم، نه ملک را حاصل
آنچه در سرّ سویدای بنی آدم از اوست
به حلاوت بخورم زهر، که شاهد ساقیست
به ارادت ببرم زخم، که درمان هم از اوست
زخم خونیم اگر به نشود، به باشد
خنک آن زخم، که هر لحظه مرا مرهم از اوست
غم و شادی بر عارف چه تفاوت دارد؟
ساقیا، باده شادی آن، کاین غم از اوست
پادشاهی و گدایی، بر ما یکسان است
چو بر این در، همه را پشت عبادت خرم از اوست
سعدیا، گر بکنند سیل فنا خانه عمر
دل قوی دار، که بنیاد بقا محکم از اوست

نمونه نثر از گلستان سعدی:

منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت
است و به شکراندرش مزید نعمت هر نفسی که فرو
می رود ممد حیات است و چون برون می آید مفرح ذات

پس در هر نفس دو نعمت موجود است و بر هر نعمت شکر
واجب.

شعر بنی آدم

این شعر سعدی
بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
بسیار مشهور است و در پیام فارسی که در مجموعه
پیامهای فضاپیمای ویجر برای فضاهاای دوردست فرستاده
شده است این شعر به عنوان پیام برگزیده شده است.
و دبیرکل سازمان یونسکو در سخنرانی خود این شعر را
برای حضار خواند.

اشعار سعدی همچنین در فرشی که از سوی دولت ایران در
سال ۲۰۰۵ به فراخور سال رسمی سازمان ملل برای گفت و گو
میان تمدن ها به سازمان ملل اهدا شد بافته شده است. این فرش
برخلاف عادت سازمان ملل که هدایا را به نمایش نمی گذارد
در محل مناسبی در سازمان ملل آویزان شد که کارشناسان
می گویند این اقدام «به علت غیرممکن بودن مقاومت در برابر
شعر سعدی» بوده است.

این شعر همچنین بر سردر تالار ملل مقر سازمان ملل
متحد در نیویورک و نیز یونسکو نقش بسته است.



آثار

از سعدی، آثار بسیاری در نظم و نثر برجای مانده است:
۱. بوستان: کتابی است منظوم در اخلاق.

۲. گلستان: به نثر مسجع

۳. دیوان اشعار: شامل غزلیات و قصاید و رباعیات و مثنویات و مفردات و ترجیع‌بند و غیره (به فارسی) و چندین قصیده و غزل عربی.

۱. صاحبیه: مجموعه چند قطعه فارسی و عربی است که سعدی در ستایش شمس‌الدین صاحب دیوان جوینی، وزیر اتابکان سروده است.

۲. قصاید سعدی: قصاید عربی سعدی حدود هفتصد بیت است که بیشتر محتوای آن غنا، مدح، اندرز و مرثیه است. قصاید فارسی در ستایش پروردگار و مدح و اندرز و نصیحت بزرگان و پادشاهان آمده است.

۳. مرثیه‌های سعدی: قصاید بلند سعدی رثای برخی افراد سروده است.

۴. مفردات سعدی: اشعاری در رابطه با پند و اخلاق است.

۴. رسائل نثر:

۱. کتاب نصیحة الملوك

۲. رساله در عقل و عشق

۳. الجواب

۴. در تربیت یکی از ملوک گوید

۵. مجالس پنجگانه

۵. هزلیات سعدی

• امام روح‌الله خمینی: در باره سعدی می‌سراید
شاعر اگر سعدی شیرازی است
بافته‌های من و تو بازی است

ویژگی‌های آثار سعدی

آنچه که بیش از هر ویژگی دیگر آثار سعدی شهرت یافته است، «سهل و ممتنع» بودن است.

این صفت به این معنی است که اشعار و متون آثار سعدی در نظر اول «سهل» و ساده به نظر می‌رسند و کلمات سخت و نارسا ندارد.

در طول قرن‌های مختلف، همه‌ی خوانندگان به راحتی با این آثار ارتباط برقرار کرده‌اند.

اما آثار سعدی از جنبه‌ی دیگری، «ممتنع» هستند و کلمه‌ی «ممتنع» در اینجا یعنی دشوار و غیرقابل دسترس.

وقتی گفته می‌شود شعر سعدی «سهل و ممتنع» است یعنی در نگاه اول، هر کسی آثار او را به راحتی می‌فهمد ولی وقتی می‌خواهد چون او سخن بگوید می‌فهمد که این کار سخت و دشوار و هدفی نیست.

بعضی دیگر از ویژگی‌های آثار سعدی عبارتند از:

نکات دستوری

نکات دستوری در آثار سعدی به صحیح‌ترین شکل ممکن رعایت شده است.

ایجاز

ایجاز یعنی خلاصه‌گویی و یا پیراستن شعر از کلمات زاید و اضافی.

دوری از عبارت پردازی‌های بیهوده‌ای که نه تنها نقش خاصی در ساختار کلی شعر بلکه از زیبایی





بوستان سعدی

کلام نیز می‌کاهند، در شعر و کلام سعدی نقش ویژه ای دارد.

از سویی این ایجاز که در نهایت زیبایی است، منجر به اغراق‌های ظریف تخیلی و تغزلی می‌شود و زبان شعر را از غنایی بیشتر برخوردار می‌کند. در شعر سعدی هیچ کلمه‌ای بدون دلیل اضافه یا کم نمی‌شود.

ایجاز سعدی، ایجاز میان تهی و سبک نیست، بلکه پراز اندیشه و درد است. در دو حکایت زیر از «گلستان» به خوبی مشاهده می‌شود که سعدی چه اندازه از معنی را در چه مقدار از سخن می‌گنجانند:

حکایت: پادشاهی پارسایی را دید، گفت: «هیچت از ما یاد آید؟» گفت: «بلی، وقتی که خدا را فراموش می‌کنم.» حکایت: یکی از ملوک بی‌انصاف، پارسایی را پرسید: «از عبادتها کدام فاضلتر است؟» گفت: «تو را خواب نیمروز، تا در آن یک نفس خلق را نیازی.»

سعدی به یاری لحن طنز، خشکی را از کلام خود می‌گیرد و شور و حرکت را بدان باز می‌گرداند.

با همین طنز، تیغ کلامش را تیز و برنده و اثرگذار می‌کند.

طنز، نیش همراه با نوش است؛ زخمی در کنار مرهم. سالها بعد، لسان الغیب، حافظ شیرازی ابعاد عمیق دیگری به طنز شاعرانه بخشید و از آن در شعر خود استفاده‌ها برد:

با محتسب شهر بگویند که زنهار
در مجلس ما سنگ مینداز که جام است

یا

کسان عتاب‌کنندم که ترک عشق بگوی
به نقد اگر نکشد عشقم، این سخن بکشد

طنز و ظرافت

طنز و ظرافت جایگاه ویژه‌ای در ساختار سبکی آثار سعدی دارد.

البته خاستگاه این طنز به نوع نگاه و تفکر این شاعر بزرگ بر می‌گردد. طنز سعدی، سرشار از روح حیات و سرزندگی است.

دیدار با پرستارها



روز ولادت حضرت زینب (سلام الله علیها) به نام روز پرستار نامیده شده است به همین مناسبت نماینده مقام معظم رهبری با تعدادی از پرستاران خدمت گذار در بیمارستان ایرانی دبی دیدار کرد حجت الاسلام والمسلمین سید محمود مدنی ضمن تشکر از خدمات آنان و تبریک این روز اظهار داشت: زینب سلام الله علیها از جهات گوناگونی الگوی ماست در عبادت در شجاعت، در دفاع از دین و امامت، در صبر و پایداری، در حضور مثبت اجتماعی و دیگر جنبه‌های زندگی و یک بعد هم بعد پرستاری حضرت زینب است او نسبت به امام سجاد(ع) که به مصلحت الهی در کربلا بیمار بود با نهایت مهربانی و فداکاری پرستاری و

رسیدگی کرد و چند بار امام را که در معرض شهادت بودند نجات داد کودکان یتیم و مادران داغ دیده و زنان بی شوهر را پرستاری و دلداری داد و سنگ صبور همه بودو شما پرستاران با اقتدای به این الگو الهی می‌توانید با خدمت به انسان‌های بیمار به بالاترین درجات معنوی دست پیدا کنید. در پایان این مراسم نماینده مقام معظم رهبری نیز با اهدای یکی از کتاب‌های ارزشمند علامه شهید مطهری به رسم یاد بود از خدمات ارجمند آنان تقدیر و تشکر کرد.

برگزاری مراسم فاطمیه اول



مراسم بزرگداشت شهادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) با حضور انبوه مومنان خدای جوی و عاشق اهل بیت عصمت و طهارت برگزار شد در این مراسم حجت الاسلام و المسلمین موسوی از روحانیون کشورمان پیرامون خانواده و آسیب‌های آن سخنرانی کردند و مداح اهل بیت حاج آقای حیدر زاده از مداحان برجسته کشوری نیز به مرثیه خوانی و عزاداری پرداختند در پایان، مراسم سینه زنی برگزار شد.



برگزاری مراسم ولادت حضرت زینب (سلام الله علیها)

به مناسبت ولادت حضرت زینب جشن با شکوهی در مسجد امام حسین(ع) برگزار گردید در این مراسم حجت الاسلام والمسلمین عارفی از روحانیون حوزه علمیه مشهد سخنرانی کردند و در پایان مجلس مداح اهل بیت با خواندن مدح اهل بیت و سرود دینی حاضران را بهر مند ساخت

برگزاری جشن تکلیف در مسجد امام حسین علیه السلام

جشن تکلیف یکی از بزرگترین جشنهای زندگی انسان است افتخاری بزرگ که انسان، شایسته فرمان خدایی می شود و برای انجام وظایف خود کمر همت می بندد برای تکریم این جشن بزرگ مراسمی توسط مدارس مختلف و با همکاری مسجد امام حسین(ع) برگزار شده است.



حضور دختران مدرسه توحید بین الملل در مراسم



دختران مجتمع توحید در جشن تکلیف



حضور دانش آموزان مجتمع شارجه در مراسم جشن تکلیف

برگزاری جلسات مشاوره

در پی احساس ضرورت ارائه مشاوره های خصوصی در موضوعات مختلف خانواده، کودک، نوجوان، جوانان، و آسیب های اجتماعی دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امارات اقدام به برگزاری خدمات مشاوره ای به صورت رایگان نمود این جلسات با ثبت نام افراد از طرف مسجد و تعیین وقت قبلی برگزار شد و تعداد زیادی از افراد شرکت نمودند این جلسات تا پایان اردیبهشت ماه نیز ادامه خواهد داشت.

برگی از دفتر آفتاب



آیت الله بهجت

چند خاطره از زندگی و سلوک آیت الله بهجت

فضای مدرسه برهان

حضرت آیت الله العظمی بهجت احترام زیادی برای کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام، قائل بودند. سالیان سال با آن نهایت ضعف و نقاقت جسمی ای که داشتند بین الطلوعین شان باید در حرم حضرت معصومه باشد، و برای آقاسید عبدالعظیم چون آقاسید عبدالعظیم علاوه بر اینکه امامزاده است و یک شخصیت آقازادگی دارد یک عالم عارف کاملی بوده و معرفتش به ذات مقدس احدیت و مقام ولایت بسیار بسیار قوی بوده، آیت الله العظمی بهجت و بسیاری از بزرگان دیگر مقید بودند خدمت آقاسید عبدالعظیم شرفیاب بشوند.

حتی یک بار که برای زیارت حرم حضرت عبدالعظیم (ع) مشرف شده بودند، فضای مدرسه برهان از ایشان خواستند که نصیحتی بفرمایند. همانجا در سخن که ایستادند ایشان فرمودند که الان که ما اینجا ایستادیم با خود حرم یا با آن ستون چقدر فاصله داریم با آن ستون حرم؟ اگر بخواهیم به ستون حرم برسیم باید به طرف پشت سر عقب سر حرکت نکنیم این فاصله را کمتر کنیم تا برویم برسیم به حرم، فرمودند ما با ذات مقدس احدیت الله الان یک فاصله ای داریم اگر ما بخواهیم این فاصله را کوتاه کنیم و قربان را به خدا بیشتر کنیم باید به این فکر باشیم کارهایی که ما را به عقب می برد مبعّد است انجام ندهیم و کارهایی که مقرب است آنها را انجام بدهیم.

سخنان حجت الاسلام منفرد درباره احوالات آیت الله بهجت (ره)

پدر و مادرم به فدایش...!

- حضرت معصومه - علیها السلام - از قبیل امامزاده های مطلق نیست که هنگام زیارت او زیارت نامه ای مطلق امام زاده ها خوانده شود، بلکه زیارت مخصوص به خود دارد؛ زیرا در روایت است: مَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ «هر کس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می گردد.» خیلی کلمه بزرگی است! نقل شده که روزی حضرت امام موسی کاظم (ع) در مدینه، در خانه تشریف نداشتند، شخصی آمد که سوالی از آن حضرت بنماید، حضرت معصومه - علیها السلام - که در سن کودکی بودند و در خانه تشریف داشتند، می فرمایند: آن حضرت تشریف ندارند، چه کار دارید؟ آن شخص عرض کرد: مساله ای دارم، می فرماید، بنویس، می نویسد، ایشان پاسخ آن را می دهد، بعد که حضرت امام کاظم (ع) به خانه بر می گردد، مادرش چریان را به آن حضرت عرض می کند، حضرت می فرماید: بِأَبِي هِيَ وَ أُمِّي، حَكَمَتْ بِمَا حَكَمَ اللَّهُ! «پدر و مادرم به فدایش، به آن چه خداوند حکم فرموده، حکم نموده است.» اینها افراد عادی نبوده اند، خدا می داند این خاندان چه شخصیت هایی بوده اند، این همه کرامات برای ایشان ذکر کرده اند.

فرمایشات آیه الله بهجت (ره)

آقای بهجت به ما یاد دادند

یکی از اموری که آقای بهجت به ما یاد دادند توسل به اولیای خدا است در اینجا مخصوصا برای ما قمی ها و ساکنین قم، توسل به بارگاه

حضرت معصومه سلام الله علیها که ولی نعمت همه ما هستند و برکاتشان شامل حال همه شیعیان می شود، می باشد. و در درجه اول ما مسئولیت بیشتری برای شکرگزاری این نعمت و استفاده از این برکات داریم و خدا محبت ما را نسبت به این خانواده و نسبت به شخص حضرت معصومه سلام الله علیها بیشتر کند و ما را مشمول عنایاتشان قرار بدهد انشاء الله. .

سخنان آیت الله مصباح درباره احوالات آیت الله بهجت (ره)

توصیه آیت الله بهجت به یک ایرانی مهاجر

آیت الله محفوظی با نقل خاطره ای از سفر خود به خارج از کشور، درباره دستورالعمل مرحوم آیت الله بهجت به یک جوان ایرانی مقیم خارج، مطلب جالبی را بیان کرد.

آیت الله محفوظی در نشست طلاب، فضلا و روحانیون شهرستان فومن و شفت گفت: در سفری که به خارج از کشور داشتم، جوانی ایرانی، از من درخواست دستورالعمل کرد، جواب دادم، از حضرت آیت الله بهجت (ره) دستور بگیرید،

نامه ای برای آقا نوشت، بعد از مدتی

که به ایران آمد، سؤال کردم.

نسخه ها را گرفتی؟ گفت: در

خواست زیادی داشتم، اما آقا

جواب مختصری دادند که به

یک خط هم نرسید، نوشته

بودند: «راه رسیدن به کمال

دو چیز است، تعبد و تحرز»

والسلام، محمد تقی بهجت.

وی افزود: این جوان

خدمت آیت الله

بهجت رسید و

عرض کرد، آقا نسخه

دادی، ولی مختصر

بود، آقا گفتند: بگو

چه نوشتیم، جوان گفت:

نوشتید، راه رسیدن به کمال دو چیز است تعبد و تحرز. آقا گفتند: همین! غیر این نیست.

عبادت؛ راز رشد

یکی از عوامل مهم موفقیت انسان که می تواند برای دیگران الگو و راهنما قرار گیرد، تقید ایشان به اعمال عبادی و تعبد ایشان است. ارتباط استوار آیت الله العظمی بهجت با خداوند متعال، ذکرهای پی در پی، به جای آوردن نوافل، شب زنده داریهای کم نظیر ایشان بسیار عبرت انگیز است. سالهای سال نماز جماعت ایشان از شورانگیزترین، با صفات ترین و روح نوازترین نمازهای جماعت ایران اسلامی بود. در این نماز عالمان وارسته و خداجوی، بسیاری از طلاب تقوا پیشه، بسیجیان رزمجو و دلداده خدا، و دیگر قشرهای مردم شرکت می کردند. این نماز چنان پر معنویت بود که

بعد نماز مغرب و عشاء را در آن زمینها می خواندند و بعضی دوستان که علاقه مند بودند خدمت ایشان می رسیدند.

یکی از آن دوستان نقل می کرد:

آیت الله بهجت یک شب بعد از نماز فرمودند:

« اگر سلاطین عالم می دانستند که انسان در حال عبادت چه لذتهایی

می برد، هیچ گاه دنبال این مسائل مادی نمی رفتند...»

وقتی که این منزلی را که اینک در آن اقامت دارند خریدند، چون نزدیکتر بود بیشتر دوستان در همین منزل برای نماز خدمتشان می رسیدند، بعد ایشان را به مسجد فاطمیه دعوت کردند و آنجا محل اجتماع کسانی بود که علاقه مند بودند از نماز ایشان استفاده کنند، و تاکنون همچنان قریب به چهل سال است که در مسجد فاطمیه در سه وقت نماز جماعت اقامه می کنند، و اخیراً درسشان را هم از منزل به همان مسجد منتقل کرده اند و دید و بازدیدهای اعیاد و ایام سوگواری نیز در همان مسجد انجام می گیرد.»

آیت الله شیخ جواد کربلایی درباره نماز شب و گریه های نیمه شب ایشان می گوید: « جناب آیت الله بهجت در جدیت در نماز شب و گریه در نیمه های شب مخصوصاً شبهای جمعه کوشا بودند. یکی از علما و مشاهیر به من فرمودند که: شب جمعه در مدرسه سید(ره) در نجف اشرف در نیمه شب شنیدم که ایشان با صدای حزین و ناله و گریه در حالی که سر به سجده گذاشته بود مکرراً به حق تعالی عرضه می داشت: «إلهی! من لی غیرک، أسأله کشف ضرّی والنظر فی أمری: معبودا! من جز تو چه کسی را دارم که از او بخوام رنجوری مرا بر طرف کرده و نظری به امورم نماید. دعای کمیل »

گاه به ویژه در شبهای جمعه صدای گریه آیت الله بهجت با ناله و غم انگیز نماز گزاران همراه می شد، و روحها به پرواز در می آمد و چشمها به اشک می نشست، و فضای دلها نورانی می شد. چنین فضای معنوی و روح نوازی در این زمان در هیچ نماز جماعتی وجود نداشت. بی جهت نبود که بسیاری از اوقات در مسجدی که ایشان نماز جماعت اقامه می کردند جا برای نماز گزاران تنگ می شد و عده کثیری حتی آنان که مشتاقانه و به امید کسب فیض از این نماز پر معنویت، از راههای دور می آمدند مجبور به ترک مسجد می شدند.

این نماز همواره مورد توجه اولیای خدا بوده و هست، علامه طباطبائی(ره) در آن شرکت می جست، و آیت الله بهاء الدینی(ره) نیز عنایت خاصی به نماز جماعت ایشان داشته اند. در این ارتباط آیت الله محمد حسن احمدی فقیه یزدی خاطره ای را نقل می کنند که ذکرش در اینجا مناسب است. وی می گوید:

« شبهای ماه رمضان آیت الله بهاء الدینی زودتر از آیت الله بهجت نماز می خواندند، ایشان خواست یکی از نزدیکان را به جایی بفرستد، آن شخص گفت: اگر بروم از نماز شما محروم می شوم. آقای بهاء الدینی فرمودند: بر این کار را انجام بده و بعد از افطار برو پشت سر آقای بهجت نماز بخوان.»

آقای مصباح نیز درباره سابقه نماز جماعت دل انگیز ایشان می گوید: «آیت الله بهجت در حدود چهل سال قبل برنامه ای داشتند که پیش از غروب قدم زنان به سوی صفائیه (که آن وقتها در آنجا ساختمان احداث نشده بود و از نزدیکهای پل صفائیه دیگر زمین مزروعی بود)، می رفتند و مقدار زیادی از زمینهای مزروعی را می گذشتند و در آنجا می نشستند و



نسخه مخاطب گرامی ماهنامه

با سلام، این پرسشنامه با هدف ارتقای کیفیت مجله نسیم تهیه شده است. با تکمیل آن و ارسال به مسجد امام حسین(ع) ما را در دستیابی به این هدف مهم یاری کنید.

- سهولت دسترسی به مجله نسیم چگونه است؟

- کدامیک از مطالب و بخش های این مجله برای شما جذابتر هستند؟ (امکان انتخاب چندین گزینه وجود دارد)

- از چه طریقی و چه مدتی است با مجله نسیم آشنا شدید؟

شبکه اینترنت توزیع رایگان از طریق دوستان و همکاران و یا...

- میزان رضایتمندی خود را از مجله نسیم ذکر نمایید.

- در خانواده شما چند نفر به مجله نسیم علاقه مند هستند؟

- مهمترین نقطه قوت مجله نسیم را در چه می بینید؟ (در سه جمله کوتاه)

- مهمترین نقطه ضعف مجله نسیم را در چه می بینید؟ (در سه جمله کوتاه)

- کیفیت ظاهری، تصاویر، صفحه آرایی و گرافیکی مجله را چطور ارزیابی می کنید؟

- یک شماره مجله را در چه مدتی مطالعه می کنید؟

- نظراتان در باره فاصله زمانی انتشار مجله (انتشار ماهیانه و توقف نشر آن در ایام تابستان) چیست؟

- پیشنهاد عملی خود را برای ارتقاء و بهبود کمی و کیفی مجله نسیم، به اختصار بیان کنید.

- نظر شما در رابطه با سایت مسجد امام حسین(ع) چیست؟

- آیا سایت مسجد امام حسین(ع) را به دیگران معرفی کرده اید؟

- شما چه بخشهایی از سایت را مفیدتر می دانید؟

- جای چه مباحثی را در سایت خالی می بینید؟

توضیحات لازم دیگر:

نام و نام خانوادگی:

شغل:

سمت:

تحصیلات:

دیپلم

فوق دیپلم

لیسانس

فوق لیسانس

دکترا

سن:

جنسیت:

نشانی پست الکترونیکی:



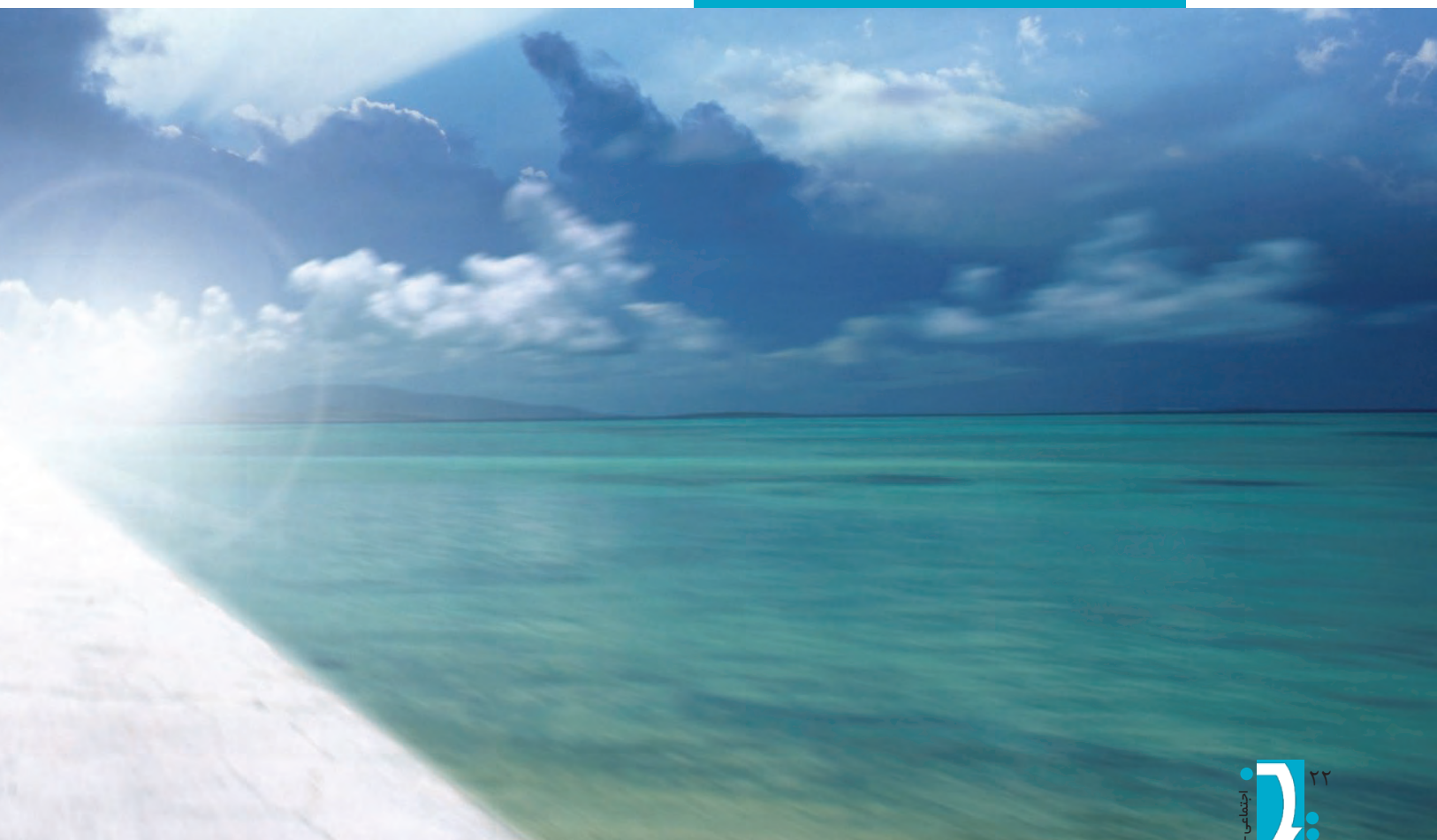


راه های معرفت و تقرب به خدای متعال بسیار گونه گون و متفاوت است و البته همه نیز یکسان و در یک مرتبت و درجه نیست و در این میان مدعیان حقیقت و راهزنان بی معرفت نیز کم نبوده و نیستند.

باز شناخت راه استوار « صراط مستقیم » و عرفان حقیقی و قرب واقعی از کثر راهه ها بصیرتی تمام و معیاری کامل می خواهد.

آیت الله شهید علامه مطهری در نشان دادن تفاوت میان مسیرهای مدعیان عرفان و مسیر تبیین شده توسط قران و اهل بیت « ثقلین » در جای جای آثار خویش اشارات دارد که رهروان مسیر سیر و سلوک را ضروری و طالبان بصیرت و عرفان را لازم و دانش پژوهان و فرهیختگان را مفید می افتد. این مجموعه فراهم آمده ای از این تذکرات پراکنده است.

هشدارهای شهید مطهری (ره) به رهپویان عرفان



۱. عقل

اسلام در عین اینکه دل را قبول دارد، عقل را نیز تحقیر نمی‌کند؛ در عین اینکه دل را قبول دارد، عشق و سیر و سلوک را قبول دارد، هرگز حاضر نیست عقل و فکر و استدلال و منطق را تحقیر کند؛ برای عقل و فکر و استدلال و تعقل نهایت احترام را قایل است. این است که در ... [میان عرفای] اسلامی و به‌خصوص در دوره‌های متأخر، گروهی پیدا شدند که برای دل و عقل، هر دو [احترام قایل شدند]. شیخ شهاب الدین سهروردی شیخ اشراق تقریباً راهش همین است و صدر المتألهین شیرازی از او بیشتر راه عقل و راه دل را به پیروی از قرآن محترم می‌شمارد؛ نمی‌خواهد مثل بوعلی مثلاً راه دل را تحقیر کند^(۱) و نمی‌خواهد مانند بعضی عرفا و متصوفه راه عقل را تحقیر کند، می‌خواهد هر دو راه را محترم بشمارد. پس آن جنبه‌هایی که علم و عقل در عرفان، یا لاقلاً در سخنان بعضی عرفا تحقیر می‌شود، مورد تأیید اسلام نیست. انسان کامل قرآن، انسانی است که کمال عقلی هم پیدا کرده است، کمال عقلی هم جزء کمالات اوست.

عرفا با زبان ادب، نثر و نظم، مدعای خودشان را خیلی گفته‌اند و پخش کرده‌اند، انسان کامل عرفا در سرنوشت جامعه‌ی ما خیلی اثر دارد؛ یعنی ما بیشتر انسان والا و انسان متعالی را همان می‌دانیم که عرفا معرفی کرده‌اند. از این جهت لازم است مقداری بیشتر درباره‌ی انسان متعالی‌ای که عرفا معرفی کرده‌اند، بحث کنیم. تمام عرفا اعم از شیعه و سنی سلسله‌ی خود را منتهی به حضرت علی(ع) می‌کنند^(۲)، حتی در میان متعصب‌ترین سنی‌ها، آخر سلسله‌ی عرفان منتهی به حضرت علی(ع) می‌شود. می‌گویند در این شصت هفتاد سلسله‌ای که دارند، فقط یک سلسله خود را منتهی به ابوبکر می‌کند؛ بقیه، همه خود را

به امیرالمؤمنین(ع) منتهی می‌کنند. عرفا، حضرت علی(ع) را قطب العارفین می‌دانند، در نهج‌البلاغه آن مخ عرفان که به قول ابن ابی الحدید، گاهی آنچه را که عرفا در همه‌ی کتاب‌ها گفته‌اند در چهار سطر بیان کرده است یک‌جا، آنچنان فیلسوف می‌شود و استدلالات عقلی فیلسوفانه می‌کند که هیچ فیلسوفی به گردش نمی‌رسد؛ یعنی علی(ع) هرگز عقل را تحقیر نمی‌کند.

بنابراین، انسان کامل اسلام با انسان کامل عرفان در این جهت فرق می‌کند. عقل در انسان کامل اسلام، رشد و نمو کرده و در کمال احترام است؛ در صورتی که در انسان کامل عرفان، عقل تحقیر می‌شود.

۲. درونگرایی

مسأله‌ی دیگر... [این است که] اسلام ضمن آنکه همه‌ی آنچه را که در مورد دل و عشق و سیر و سلوک و علم افاضی و علم معنوی و تهذیب نفس گفته می‌شود، تأیید می‌کند، انسان کاملش انسان جامع است، برونگرا هم هست، جامعه‌گرا هم هست، همیشه سر در گریبان خویش فرو نبرده است؛ اگر شب سر در گریبان خود فرو می‌برد و دنیا و مافی‌ها را فراموش می‌کند، روز در متن جامعه قرار گرفته است. چنانکه گفتیم؛ درباره‌ی اصحاب حضرت حجت که نمونه‌هایی از مسلمان کامل هستند مکرر در اخبار آمده است که: **رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ**^(۳) اگر در شب سراغشان بروی، گویی سراغ یک عده راهب رفته‌ای، سراغ عده‌ای رفته‌ای که در دامنه‌ی یک کوه در غاری زندگی می‌کنند و جز عبادت چیز دیگری سرشان نمی‌شود، ولی در روز، شیران نرنند. آنها راهبان شب و شیران نر روز هستند.

قرآن اینها را با یکدیگر جمع می‌کند:

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّاجِدُونَ الرَّكِعُونَ

۳. نفس‌کشی

یک جهت دیگر در این مکتب [عرفان] مطرح است و آن مربوط به نفس‌کشی است. ما در تعبیرات اسلامی کلمه‌ی نفس‌کشی نداریم. یکی دو جا تعبیر *أَمَاتَ نَفْسَهُ*^(۱۰) داریم که یکی در نهج البلاغه است و نیز تعبیر *موتوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا*^(۱۱) را هم داریم. معمولاً در تعبیرات اسلامی صحبت از تهذیب و اصلاح نفس است. در تعبیرات شعرا مسأله‌ی نفس‌کشی و نفس‌کشتن زیاد آمده است. حال ما با تعبیر، چندان مخالفتی نداریم، ولی درباره‌ی مسأله‌ی نفس‌کشی و به عبارت دیگر خود را در هم شکستن، خود را کوبیدن؛ یعنی خودبین نبودن و خودپسند و خودخواه نبودن، در عرفان ما طوری سخن گفته شده است که غالباً یک نکته‌ی بسیار اساسی که در اسلام از آن به کرامت نفس تعبیر می‌کنیم، مورد غفلت واقع شده است.

روگردانی از طبیعت

عرفان منطقش این است: از خود بطلب^(۱۲) هرآنچه خواهی که تویی. عرفان مکتبی درون-گراست. در این مکتب، دل از جهان بزرگتر است؛ یعنی اگر تمام عالم را یک طرف و آنچه را که آنها دل^(۱۳) می‌گویند طرف دیگر بگذاریم، دل از همه‌ی عالم بزرگتر است. آنها به عالم، انسان صغیر و به دل، انسان کبیر می‌گویند و چون جهان و دل را یکی می‌دانند [به این معنا که] دو نسخه‌ی مختلف از دو عالم متطابق هستند، جهان را عالم صغیر و دل را عالم کبیر می‌نامند. نه اینکه بگویند انسان، عالم صغیر است و این عالم، عالم کبیر، بلکه می‌گویند این عالم که ما آن را عالم کبیر می‌گوییم عالم صغیر است و انسان، عالم کبیر؛ و

السَّاجِدُونَ^(۱۴). اینها همه، آن جنبه‌های درونی است. بعد می‌فرماید: (... *الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ...*)^(۱۵) — فوراً وارد جنبه‌های جامعه‌گرایی آنها می‌شود؛ آنها مصلحان جامعه‌ی خود هستند. در آیه‌ی دیگری می‌فرماید: (مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ)^(۱۶) در اینجا اول جنبه‌ی جامعه‌گرایی را می‌گوید. پیامبر (ص) و همراهانش حال بنا بر بعضی تفاسیر، خصوصاً همراهانش را می‌گوید (أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ) در مقابل پوشندگان حق و حقیقت و کسانی که با حقیقت عناد می‌ورزند، با صلابت و محکم و مانند دیواری رویین هستند و نسبت به اهل ایمان یک پارچه محبت، مهربانی، خیر و رحمت. بعد می‌فرماید: (تَزَيَّهُمْ رُكْعًا سَجْدًا)^(۱۷)؛ همین جامعه‌گراها را در حال رکوع و سجود می‌بینی؛ (يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا)^(۱۸) از خدای خود فزونی می‌خواهند و به آنچه دارند قانع نیستند و رضای حق را می‌خواهند؛ یعنی افرادی نیستند که برای خود، دنیا یا آخرت را بخواهند، برای آنها رضای حق از هر چیزی برتر و بالاتر است: (... *سَيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ...*)^(۱۹) در چهره‌ی آنها آثار عبادت و آثار سجود را می‌بینی.

این یک نقطه ضعف دیگری است که در انسان کامل تصوف دیده می‌شود. البته بسیاری از پیشروان عرفان چون شدیداً تحت تأثیر تعلیمات اسلامی قرار داشتند، متوجه این نکته بوده‌اند و در کلمات خود به این نکته اشاره کرده‌اند، اما به هر حال گاهی کم و بیش این افراط پیدا شده است؛ یعنی درونگرایی به حدی رسیده که برونگرایی نفی شده است. اسلام این جهت را تأیید نمی‌کند.